پارادایم صدور انتقال در جهان اهل ستّت بر مبانی اصل دعوت
با توجه به تحولات اخیر بیداری اسلامی
مهدی صیاد شیرازی
مجتبی عبدخدایی

چکیده
جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی درآمده از انقلاب اسلامی سیاست صدور تفکر انتقال را از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب، در دستور سیاست خارجی خود قرار داده است. صدور تفکر انتقال اسلامی چنین برای نظام اهمیت دارد که در رأس برنامه‌های سیاست خارجی و انگشته‌های است و نخست زرآی افراد این چنین به اثر اشاره و نظرات آن‌ها ارائه می‌گردد. از این جهت، در زمینه بین‌المللی، جهانی کسب کردن و توسعه فوأمادادی‌های داخلی وضعیتی‌هایی در این پژوهش در سال‌های دو ماه‌های می‌شود: امکانات انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌ها، چیست؟ قاعدتاً دعوت به جهان‌آوری، در هنگام‌های انقلابی همبستگی و مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی است. همچنین با استفاده از قاعدتاً دعوت حاکمان مسلمان اهل ستّت می‌تواند با تبادلات و نشست‌های جامعه دعوت در ملت زبان کلامی هزاران نفر را مسلمان کند که این کار با جنگ و خونریزی در سال‌های طولانی صورت نیست. امروزه دعوت را می‌توانیم در حناوی بیداری اسلامی بیان، تفکر نویسندگان و دعوت در نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه غرب آسیا مرجح شیت تا ملت‌های کشورهای جنوبی آسیا، نیپورنتوس بحرین، پیام بر حاکمان منتبند. و از این جهت، پژوهش‌ها از جمله ساختاری این تأثیرات را در سطح است. آسیا، اروپا و ادریس فارناز هم‌نروی نهایی می‌تواند شاخص باشد و در این پژوهش به روش توصیفی-تخليصی م>({دریافت مقاله ۳۳/۳۸/۱۳۹۶: تایید مقاله ۳۶/۳۳/۱۳۹۷}) مشوق داده.

کلید واژه‌ها:
صدور انقلاب، اصل دعوت، جهان اهل ستّت، بیداری اسلامی

drmahdisayadshirazi@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، پژوهشگاه امنیت ملی
۲- استادیار روابط بین الملل دانشگاه علوم و فناوری استانی تربت حیدریه

abdkhodaei.mojtaba@gmail.com
مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمدگی از انقلاب اسلامی، سیاست صدور انقلاب را از همان روزهای تختی تا پیروی از انقلاب، در دستور سیاست خارجی خود قرار داده است. صدور انقلاب اسلامی چندان برای نظام امین دارد که در رأس برنامه‌های سیاست خارجی واقع شد است و بخش زیادی از فعالیت‌های این حوزه را تحت تأثیر دارد. در دوره‌های مختلف، معنایی و مفاهیم مختلفی از این سیاست برداشت شده و دولت‌های جمهوری اسلامی هریک از آنها و ابزارهای منفعتی برای اجرای آن سود برده‌اند. چنانکه می‌توان در سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی، از اگه‌های مختلفی در صدور انقلاب سخن گفت (اسکندر فاروچی و آقاهسنین، 1394: 8): در این زوره به روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از مبانی تئوری‌های سی در بررسی پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنا اصل دعوت به توجه به تحولات اخیر بیداری اسلامی خواهیم داشت.

در مورد بیان مسئله این پژوهش به‌این گفت ۱۰۰۰۰ سیاست دین اسلام رسالت جهانی است و رسیدن به بسیاری از اهداف بنیاد اسلام در تعامل با جامعه دیکتر می‌تواند. اصل دعوت مؤید طرح تکاملی بخش به سوی حرکت در جهت ایجاد امکان به روی جهانی است، پیش‌بینی و جویی پیام‌های از ارتباطات امروزی در بنیان بر اصل دعوت است. از بی‌دیگر اسلامی اجتماعی ایجاد نمایشگر این اصل نه‌ترین دارالاسلام را با خطر اسلامی مواجه داشته. یکی نیز در اندازه‌گیری است. دیگری این اصل از جهان امینی برخوردار است که جزو اولین وظایف اجتماعی هر بشری به شمار می‌رود: یک مؤلفه تأثیرگذاری بر سیاست خارجی نظام اسلامی اصل دعوت است.

در این پژوهش معنی برای بافت‌نگاری مناسب برای این بررسی خواهیم داشت که انقلاب اسلامی ایران چه یکی چه وسیع‌تری از حضوری به فردی این است و قاعدتاً دعوت به چنین قضیه در گرویدن به اسلام در اهل سنت به توجه به تحولات اخیر بیداری اسلامی دارد.

در پاسخ می‌توان گفت از جمله تماشای بررسی انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌ها، ماهیت ساختاری و تشکیل‌دهنده ی و قانون اساسی آن است: سایر انقلاب‌ها غالبان‌دارای یکی از ماهیت‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک هستند؛ در حالی که انقلاب اسلامی دارای ماهیتی اسلامی و مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی است؛ همچنین با پیدا گفتن از استفاده از قاعده دعوت
حاکمان مسلمان می‌تواند با تبلیغات دامنه‌دار جهانی، منطق اسلام را به درون خانه‌ها برده، در مدت زمان کوتاهی هزاران نفر را مسلمان کند که این کار با جنگ و خونریزی در سال‌های طولانی می‌رسد.

در مورد این موضوع پژوهش‌های صورت گرفته است که از جمله عبارت‌اند از: مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی در دولت اسلامی / سید صادق حقیقت، دیلماسی و رفتار سیاسی در اسلام / سید عبدالقیوم سجادی و چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران / سید جلال دهقانی فیروزآبادی. در این پژوهش‌ها اصول و اهداف سیاست خارجی در دولت اسلامی به ویژه در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و از این منظر می‌تواند راه‌گشایی ما باشد. با این حال در این مقاله مسئله صدور اقلیم با توجه به اصل دعوت مورد بررسی قرار خواهد گرفت که از این منظر دارای تفاوت با پژوهش‌های صورت گرفته می‌باشد.

در انتهای یاد گفت که روش تحقیق برای انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است; بادین معنا که با استخراج از فقه سیاسی، تبیین، مرور و بررسی نظری منطقی ارتقای می‌شود که تأثیرگذاری سیاست خارجی را در فقه سیاسی تأمین می‌کند و با ارائه شواهد تاریخ اسلامی نشان می‌دهد که چجوره این موارد به تأثیرگذاری روابط خارجی دولت اسلامی مالیواد.

مطالعه

1. صدور اقلیم

معمولاً با تغییر نظام سیاسی یک کشور، به‌خصوص در سیستم دولت ملی، به‌وزن از طریق اقلیمها، تلاش شده است که جهت حفظ دستاوردها، دست به اشاعه ارزش‌ها و اصول اقلیمی شان بزنند؛ به‌غیره کریت برتون صدور اقلیم‌ها از طبیعت آن بر می‌خزد (برنتون، 1363: ۲۲۲). اصطلاح صدور اقلیم در آثار روابط بین‌الملل قدرت نهاده است، با این حال ایده اصلی در پیگیری اقدام به صادراً کردن اقلیم‌ها، به‌دقتی در پرداخت ارایه‌گوینده و به زبان جامعه بین‌الملل پس از معاهده وستفالیا، پیشگام در تعیین وسیع کلمه، به‌خیال از روابط کهن و کنونی است، (بهپری‌تی، 1388: ۵۵).
مفهوم صدور انقلاب، از جمله رسالت‌های برون‌مرزی همه انقلاب‌ها شمرده می‌شود؛ چنان‌که انقلاب‌های گذشته اکثر درک‌رسانی‌های بود و انقلاب‌های روسیه از انقلاب‌های چین و کوبا تأثیر گذشته است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

برخی معتقدند انقلاب‌ها به‌معنای کالایی هستند که صادرات نسبتاً اندکی دارند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۱۷). در مقابل، برخی از جمله اسلام‌گرایان بر این باورند که انقلاب کلا نیست که صادر یا وارد شود؛ بلکه اساس انقلاب تغییر اوضاع نفسی، تغییر روابط و رفتار اشخاص و تغییر احوال و نظام‌های جامعه است (فارسی، ۱۳۸۵: ۴۲۴). از سوی دیگر نیز برخی صدور انقلاب را برنامه، سیاست یا اقدامی می‌دانند که از طرف دست‌اندرکاران یک انقلاب، جهت تأثیرگذاری بر سایر جوامع مطرح می‌شود (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۰۱).

بانی‌برای حضور کارگزاران انسانی در صدور انقلاب نمایان است و زمانی که ملت‌ها جذب این انقلاب‌ها شوند، به بیشتر انقلاب و اهداف آن کمک می‌کند و امواج جدیدی از انقلاب‌ها را با اهداف مشابه خلق می‌کند. قدرت ایجاد‌های انقلابی را می‌توان در گستره‌های دامنه انتشار و تأثیرگذاری بر منازعات انقلابی چندجانبه بافت (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۲۱) که به تداوم آن‌ها می‌انجامد. انقلاب با تداوم به تکامل خواهد رسید.

با طرح سیاست صدور انقلاب اسلامی از سوی رهبران انقلاب، و اکنون و برداشته‌ای متفاوتی از سوی ناظرین داخلی و خارجی حوادث انقلاب اسلامی نمایان شد؛ از سویی نظام سلطه و حتی حکومت‌های وابسته به آن در جوامع اسلامی، خود را آماده هرگونه تضادکاری با نظام جمهوری اسلامی ایران در پی سیاست‌های برون‌مرزی انقلاب می‌کردند؛ از سوی دیگر در داخل، اقلیتوی و سیاست‌ماران در مقابل سیاست صدور انقلاب، موضوع متفاوتی را اتخاذ و نسبت به آن روزکردهای متفاوتی را در پیش گرفتند.

۲. سیاست خارجی

سیاست خارجی ی عبارت است از یک راهبرد با یک روشنی اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین، در چارچوب منابع ملی
پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنای اصل دعوت با توجه به...
اهراد شیخ سید محسن ایرانی، نبی و بحرین و آذربایجان و عراق در زیر مجموعه عظیم
جهان اسلام قرار می‌گیرد.

۳. بیان‌نامه اسلامی

حرکت‌هایی که در کشورهای عربی شمال آفریقا متشکل از سال‌های آخرین دهه فروردین بیست و ششم دارد، به موارد مشابهی که در آن‌ها شکوفایی فرآیند قرار داده می‌شود، به‌اشتی که در آذربایجان و عراق، تا حدی نواحی اسلامی بنا‌بنا و تهدید‌های روبه‌رو است؛ این حرکت عظیم که در آذربایجان و عراق قرار دارد در قضاوت اسلامی با آسیب‌ها و تهدید‌هایی روبه‌رو است؛ این نواحی و جامعه‌ای می‌توانند در هدایت این حرکت‌ها نقش اساسی را ایفا کنند.

چهار روش در صدای اقلاب اسلامی

الف) رویکرد ملی گز: ملی گز از فرماندهان، اعضای دولت وقت و پارلمان مهندس بازگان در تغییر آزادی و غربال سیاست صدور اقلاب به‌صورتی که انتقال ایران و ارزش‌های اقلابی‌انه، در قبال مرزهای جغرافیایی سیاسی ایران مورد پذیرش است و بحث صدور اقلاب، باعث ایجاد تنظیم و حساب‌رسی بین‌المللی می‌شود؛ از نظر دیگر، هماهنگی از تغییر آزادی به‌صورت صورتی در امور داخلی آن کشورهای است. اعضای دولت وقت به‌صورت مستقل نظر در این برهه زمانی را بازسازی ملی می‌دانند. بنابراین، ایران به‌صورت ملی وزیر خارجه وقت که پاید متوالی این امر باشد، با صلاحیت اعلام کرده، می‌تصدید کند:

صدر کردن اقلاب خود را نداریم (۱382).)

صدای ملی گز، سیاست صدور اقلاب را تحریف می‌باید و اصول اقلابی ایران از حقیقت در
ابتدایی و استقلال‌طلبانه به چهره ضدعیرانی‌پذیر و آزادی بخش جهانی می‌دانستند و در فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی معتقد بودند که ایجاد روابط بین‌المللی، مهم‌ترین ابزار در جهان معامله برای حفظ منافع ملی ایران است (ملکی، ۱382: ۱۰۵); این دوکر که بردی برخی از افراد ملت‌ها جهت

لیست نیازهای سیاست‌نامه‌نگاری تداوم‌دار به معرفی آموزش ملی‌سازی و اعتراف آن‌ها جهت

۱۷۴
ب) روزگار آرمان گرایان: اقلیت‌های آرمان‌خواه مانند شهید محمد منتظری، معتقد بودند انقلاب اسلامی بنا به ماهیت ابتدالی جهان‌سوز و ماهیت اسلامی خود، ضرورت بازدید به سیاست کشورهای اسلامی انقلاب یافته‌اند. در این هدف، از هیچ‌گونه اقدامی حتی نظامی نباید غافل شد؛ این جریان بر این باور بودند که جهاد، از公安机关 برای نشر انقلاب اسلامی است و با باید اهمیت را دوستداران صدر اسلام بارز را (اِزدی، ١٣٨١: ١٩١)؛ اهداف اصلی صدور انقلاب در این روزگار، تایید ساختن رژیم‌های پرآینده، توانمند‌سازی نظامی جنگ‌های آزادی، مهیز و به خطر افکندن حکومت‌های مستبد در جهان اسلام و منافع جهانی استکبار به شمار می‌آمدند (محمدم، ١٣٨٧: ١٣).

ج) روزگار امقرای اسلامی: طرفداران روزگار سوم، تلفیق‌آرمارا اغلبگان و آرمان گرایان را مبنای باشندند؛ آن‌ها معتقد بودند که باید تلاش کنند در داخل مرزهای ملی یک امت نمونه بسازند و از تمامی ابرارهای انقلابی و ظرفیت‌های آن چه قانونی و حتی نظامی یک استفاده کنند؛ در رابطه با جامعه جهانی نیز، سیاست مسلسل‌تأمیر و انقلاب نهایی و با نگرش آن‌ها در وضعیت موجود، بازی‌های استکباری با جنگ‌های مختلفی، سیاست مداخله در اقلیت‌های اسلامی توسط دکتر محمدجواد لاریجانی بر اساس این روزگار مطرح شد (الریجی، ١٣٧٧: ٤٠).

د) روزگار واقع گرایان: این روزگار از سویی اکثری اقوام کشور دشتی انتقالی ایران برای سایر ملل و از سویی دیگر تبلیغ اسلام ناب مبهمدی، قرار و انقلاب را در میان آنها یک ضرورت مطلوب می‌کرد؛ در این نظریه دخالت نظامی اگر چه نیاز صدور انقلاب منتفی است. شهید مطلوب در این مورد نیز می‌کند:

من به‌دردسر این ایده در دل زده می‌شود که این انقلاب به ایران محدود نمی‌ماند، هفتصد میلیون مسلمان را در برخواه گرفت و چه افتخاراتی برای ایران خواهند بود که یک انقلاب
اسلامی از ایران شروع بیشود و تمام کشورهای اسلامی را زیر تفوّض خودش بگیرد که مطمئناً خواهد گرفت (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۱).

در اینجا درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمان و درخواست کننده اصولاً «داعی» نامیده می‌شود و داعی در دعوت خود باید قصد گرفت داشته باشد. دعوت استراتژی اول پیامبر(ص) در دیلماسی بود و مناسب بیان دشمنی رضوی و ملکی صورت می‌گرفت؛ آن حضارت به مدت سال دعوت پنهان داشتند و پس از آن خوش‌شاندن و سپس اقدام به دعوت عمومی و همگانی کردند. از مجموع آیات و روایات و سیره پیامبر اسلام(ص) که ناظر بر دعوت هستند، این گونه مستقلاً می‌شود که دعوت یکی از اصول اساسی در روابط خارجی اسلام با جوامع غیر اسلامی است و دعوت از آنان مهم‌تر برخورد است که جهاد غیر مستقیم به دعوت را از یکی از مشروطیت خارج می‌سازد و بیشتر قبلاً بر این امر اجماع نظر دارند (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

با توجه به سیره پیامبر(ص) اولین وظیفه دینی هر پیامبری پس از میروعت شدن دعوت است: یعنی پیامبر وظیفه دارد مردم را به دین خود دعوت کند; پیامبر اسلام(ص) با توجه به این اصل در آغاز رسالت خویش نژادیان و خویشان خود را به اسلام دعوت کرد. و آنان را از پیلیده‌ها و رازی‌ها انتاد داد: «آذرند غبیرینّا آفرین» و (نخست) خویشان نژادیکت را (از خدا) بررسان (سورة شعراً/ آیه ۱۰۲).

این شبه استناد پیامبر(ص) سال طول کشید که این دوره از دعوت پیامبر(ص) را "دوران استناد" می‌نامند پس از این مرحله، دعوت علیه آغاز شد؛ پس از آن، رسوم دین اسلام از سوی پیامبر(ص) نصیر دعوت همچنین جوهره رفتار سیاسی پیامبر(ص) محصور می‌شد. از این روستاً که در آثار دینی مسلمانان، نصیر دعوت، از جایگاه و پیامبر رئیس است؛ بنابراین می‌توان گفت که رفتار سیاسی مبتنی بر دعوت، از ضروریات دین اسلام و سیاست خارجی پیامبر(ص) به‌حساب می‌آید.

آیه‌ای از قبل، مانند آرسلانباک ال‌رجمة للعالمین، سورة النبتا، آیه ۱۰۷، «آن هو الا ذكر للعالمین» سورة التوکیره/ آیه ۲۷ و «تارک الذي نزل القرآن على عده ليكون للعالمين نذيرا» سورة فرقان/ آیه ۱۱. دلایل دارد که رفتار مبتنی بر دعوت از عنصر برتر و برجسته در حوزه
سیاست خارجی پیامبر(ص) جهت تبعیض دین خویش بوده است: با اعمال نظر در تاریخ صدر اسلام نیز جامعه مؤثر و پیش بردن دعوت در گسترش اسلام -مانند پیامنهای عفیف اولی و ثانیه- با مردم مدنیه و تشکیل حکومت اسلامی در مدنیه -روشن می‌شود.

در رفتار سیاسی مبتنی بر دعوت تنکاتی مهم و اصولی وجود دارد که اگر به‌خوبی رعایت شود دعوت تأثیرگذار بوده و به دفاع و جنگ نیازی تحویل بود. خداوندان درباره چگونگی دعوت به اسلام به پیامبر(ص) چنین دستور می‌دهد: «ادعیه‌ای سبل ریک به‌حکم و موظفه الحسنّه و جدّلهم بانی‌های احسّن» (ای راول ما خلق را) به حکمّت (و برّهان) و موظفه نیکو به راه خداوند دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدّل مناظره کنی و(وظیفهٔ نیک اوش) این نبیّ(ص) که بتهنی خویش تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمره شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند (سورا نجل / آیه ١۲۵).

در این آیه، ابتدا دعوت به‌راد خداوند به حکمّت می‌خواند حکمّت به معنای علم، دانش و منطق و استدلال است. سیاست خارجی که مبتنی بر حکمّت بایدش، می‌تواند مخالفت و دشنامان را به فکر و اندیشه وادار و در نهایت موجب تحکیم آنان شده و تحکیم نیز خود موجب بیدار شدن عقول خفته اینها خواهد شد؛ در ادامه آیه، خداوندان گفتار و بیان نیکو و به پیامبر(ص) تذکر می‌دهد و اینسان مأمور می‌شود که از طرق بیان نیکو و شباه با مخالفان کفته و گوگوش‌کنند: چرا که وعظ و اندروز بیشتر جنبه عاطفه دارد و با تحکیم عواطف و احساسات می‌توان مردم را به‌سوی حق و خداوند دعوت کرد؛ از اینرو می‌توان گفت که حکمّت، بعد عقلی دعوت است و موظفه نیکو، بعد عاطفی این؛ البته این موظفه با بید حسنّه باید؛ چون این در صورتی موظفه مؤثر است که خالی از هرگونه برتری جویی، تحت قهر طرف مقابل و خشونت‌گذاری باشد.

پیامبر اسلام(ص) در تمامی مراحل دعوت، به مکه و بیشتر در مدنیه و نیز دعوت پادشاهان ایران و روم، بر اساس دستور آیه ذکر شده عمل می‌کرد. از پیامبر ارم(ص) حدود ۱۸۵ نامه به‌عنوان دعوت با پیامن در متن تاریخی و حفیظی لب‌بند شده که در همه آنها روش پیامبر بر به‌رهان حکمّت و منطق استوار بوده است؛ در متن نیک این‌نامه، نصب‌اندیش‌ها و نرمنه‌هایی که پیامبر(ص) به هنگام انعقاد پیامن از خود نشان داده، همه گواه بر ضد دیدگاه
برخی خاورشناسان است که چهره اسلام را خشن آثاره می‌دهند و به‌صورت اسلام را نامی از نیزه و شمشیر می‌دانند.

دعاوت مسلمان‌آمیز از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی پیامبر اسلام(ص) محسوب می‌شود.

شده و این رفتار تا آخر حیات پیامبر(ص) ادامه داشت. از نامه‌ها و فرستادگان پیامبر(ص) به قابل و کشوری مختلف، تقدیم این اصل دعاوت به‌صورت مشاهده می‌شد که پیامبر(ص)

همواره به فرستادگان خود تأکید می‌کرد که مردم را به اسلام دعوت کنند و با آنان از سر جنگ وارد نشوند؛ در این خصوص، آنها که مصلحت اسلام اقتضا می‌کرد انعطاف‌هایی نیز نشان می‌دادند.

و لاتین‌ها این رفتار را نشان دادند با آبی‌ای است که از آن جمله است:

«و لاتین‌ها این رفتار را نشان دادند با آبی‌ای است که از آن جمله است:

دبیته در نوامبر آن آبی‌ای با آبی‌ای و در کوه‌های والانک غم‌بیده با آبی‌ای است.

(سورة النحل / آیه 108)»

این هشمان در شان نزول آبی‌ای با آبی‌ای و در کوه‌های والانک غم‌بیده با آبی‌ای است.

بروان خود بگو دست از دشمن دادن به خداوند و راه‌دارند و گرنه ما نمی‌خواهی توان را دشمن می‌گویم؟ از آن پس حضرت محمد(ص) از دشمن دادن به خداوند فریض معنی شد و به دعوت آنان اکتفا کرد؛ یعنی به این پیامبر(ص) در دعوت خود استفاده شد و از نواحی مشترک افراد جامعه می‌کرد؛ این اشاره به دعوا مسلمانان که در نهایت منجر به انعفا می‌شود، از عنصر مشترکی به نام جامعه می‌شود که شامل همه ساکنان مدنی می‌شود. در حقیقت قانون اساسی دولت اسلامی پیامبر اسلام(ص) برای ایجاد ارتباط میان اهالی مدنی بود که از اخوان مختلف مدنی با اهمیت واحدهای دیده است. پیامبر(ص) در نامه‌گزاری به سران کشورها غیرمسلمانان نیز بر نقاط مشترک تأکید می‌کند و این رفتار نیز مفید بود به شریفه آل عمران است.

که مفرمیاده

«قلی اهل الکتب تعالوا الى كلمه سواء بیتنا و بینکم إلا اعلی الله ولانشک ابیه شیبما بگو

ای اهل کتاب بپیاد از آن كلمه حق که میان ما و شما بکسان است پیرو کنید که به جر خدائی

یکتا هیچ‌کس را نیرسمی و چیزی را با او شریک قرار ندهم (سورة آل عمران / آیه 14.»

مجله سیاسی دانشگاه، 3(3)، 1378، صفحه 168
برای نمونه پیامبر(ص) در نامه خود به استفاف‌گری اضافه کرده و می‌نویسد: فان
عیسی بن مروح روح الله القاها ای مرمزکه و ای آنی ایمان و مانزلینا و ما نانز ای ابراهیم
و ایمنی و ایمنی و ایمنی و ایمنی و ما امری موسی و عیسی و ایمنی من رهین؛ همانا
عیسی بن مروح روح و کلمه خداوند که خداوند آن را مرمزکه پاک الف فرض و من به خداوند
و ایمنی ابراهیم و ایمنی و ایمنی و ایمنی و ایمنی و فردی و نازل کرده و ایمنی موسی و
عیسی و پیامبران از سوی پرورگار یکتا اطلاع شده است. ایمان دارم.

شیوه رفتاری پیامبر(ص) در اعلام و ابلاغ دین، به توجه به آیات قرآنی موجب شد که اسلام
به سرعت رشد کند و در کمتر از نیم قرن یکی از بزرگترین ادیان در جهان تلقی شود؛ البته
چنین رفتارهای همراه با اسلام نبود یا اینکه در تراجم با اصول دیگر بوده و یا اینکه برخی
موارد نیز به بسب عادت کنار مؤثر واقع نمی‌شد و از سوی دیگر، کفار نیز درصد ضرره زدن که
مسلمانان برمی‌آمده: در این صورت پیامبر(ص) ضرورتاً دست به اقدامات نظامی می‌زد
(شهرخانی، 1380: 185).}

رسول الله(ص) به‌منظور حفظ جامعه مسلمانان در محيط شرک آلوده مکه در سال نهم بعثت
دستور مهاجرت گروهی از مسلمانان را به حبشه دادند؛ به اعتقاد مورخان از علی مهم این
مهاجرت، حفظ مسلمانان از دست قربان مشترک بود؛ قربانی که می‌کوشید تا به‌طوری شده
آنها را از دین توحید بایگانی. به اعتقاد زهری: «زمانی که شمار مسلمانان فروخت و
ایمان آورند به اسلام آشکار شد و شماری از کمر و برگرفت و حبس مسلمانان پرداختند تا آنان
را از دینشان بپوزند. رسول خدا(ص) در آنان فرومود: در زمین پرآگه شدید، سؤال کردند که
به کجا بری؟ آن حضرت به حبشه ایشان کرد و پس از آن بوده عده‌ای از مسلمانان همراه
خانواده‌ای به دویان خانواده به حبشه هجرت کردند» (طبقات الكبرى، ج 1: 204).

پیامبر(ص) همچنین به‌منظور حفظ جامعه خودی و گسترش دعوت اسلام با اهل بیت
ارتباك برقرار کرده و در بي‌پنده بی‌پنده زمینه هجرت به آن شهر را فراهم کرد. پیامبر(ص)
احساس می‌کرد با بانک ماندن در مکه امکان حفظ جمع موجود مسلمانان وجود ندارد؛ او می-
دید که فشان و آژار مشترکان روز به روز پیشرفت می‌شود؛ لذا در پیویوند درخواست پایش که می-
خواستند برای حفظ جامعه خود به نقطه‌ای خارج از مکه مهاجرت کنند، اجازه مهاجرت به یترب را به آنان داد (چلمنگر، 1390: 84).

دیپلماسی رسول گرامی اسلام (ص) برای حفظ امنیت و استقلال جامعه مدینه از دست فریش مشترک که کمربه نابودی جامعه نوین‌داد اسلامی بسته بود، استفاده کردن از شیوه‌ها و روش‌های متعددی بود، از جمله آن شیوه‌ها انعقاد پیمان‌های سیاسی با قدرت‌های بی‌طرف بود؛ این سیاست مستلزم این بود که پامیر (ص) حتی امکان‌زایی از ایجاد تنش با قدرت‌های کریک و بزگ و بی‌طرف پرهیز که این پرهیز از تنش‌گاه به نماشی قدرت و گاهی با صلح و... بود. پامیر (ص) برای ایجاد امنیت در مدنیه با یک دیپلماسی فعال از یکسر مانع همیستگی غیرسلمانان مدنیه به فریش شد و از سوی دیگر تلاش کرده که تا آن که هنوز اسلام نبوده، اند به عنوان متعدنی خوشی در برای قریش استفاده کند. در بدل ورود به مدنیه، پامیر (ص) متوجه به دیدن شد. یهودیان اگر چه بی‌طرف بودند اما همراهی آنان با مشرکان قریش می- توانست خطرات بزرگی برای امنیت و استقلال حکومت مجدد‌تناسی مدنیه را به‌دنبال داشته باشد، لذا سعی کرد تا آنان به عنوان متعدن با مسلمانان استفاده سود، بازیابیند بر یهودیان مدینه عباراتی این‌گونه مشاهده می‌شود که: «هر کس از یهودیان از ما پرویز کند نسبت به او نیک و باری خواهد شد و به ما در زندگی مساوی خواهد بود و بر آنان ستم خواهد شد و بر رضای ایشان کسی را پاری نخواهند داد» (چلمنگر، 1390: 85).

بر این اساس، اصل دعوت ریشه در وحی داشته و از مهم‌ترین و اساس‌ترین هدف و رسانای انبیاء الهی و هی‌مخصوص نبی خاتم (ص) محسوب می‌شود؛ محورهای این دعوت بر سعادت دینی و دینی و انسان استوار است؛ بدین منظور دعوت به نبی‌ها و خوی‌ها و اجتناب از زشتی‌ها در راستای تحصیل سعادت انسان تحلل شود. این اصل در حوزه سیاست خارجی یک تعریف خاصی از سیاست مرسد که بر اساس آن سیاست با دعوت‌نگر و هایدای‌گری یوند می‌خورده و همین‌که در اندیشه سیاسی شیعی، سیاست را با نبود و امامت گر می‌زنن. زیرا های‌اتگر رستم، یکی از محاوت‌دان تأثیر آن را به آنان بیان کرده، آنان هم در این زمینه پامیر و رهبان معصوم این که از طریق رابطه مستقیم یا غیرمستقیم با مبدأ و حکم و معنا واقع محاوت دعوت را درک می‌کنند (سجادی، 1379: 75).
پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنای اصل دعوت با توجه به

رژیم صهیونیستی در رویارویی با همگرایی در منطقه شامات

بررسی صدر اقلاب اسلاهی بر همبایی اصل دعوت

چون در عصر حاضر جمهوری اسلامی خود را مصداق یک حکومت اسلامی تلقی می‌کند که در قلمرو سرزمین ایران تعیین و استقرار یافته است؛ لذا، مستندیت و رسالت جمهوری اسلامی ایران ایجاب که به پیام انقلاب اسلامی را از طریق یک سیاست خارجی رسالت مدار به مسلمانان و جهانیان ابلاغ نماید (دهقهاي

فروردیآباد، 1387: 202). بر این اساس، دولت جمهوری اسلامی ایران بهعنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، در چارچوب اصل «دعوت»، صدور انقلاب، را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است (محمدی، 1387: 168); ضمن اینکه «صدور انقلاب» تلاشی است که یک نظام انقلابی برای گسترش اپه و آرام انقلابی خود به دیگر کشورها صورت می‌گیرد و این موضوع زمانی مطرح می‌شود که آمیان انقلابی بازگی داشته باشد. تلاش فرانسه انقلابی برای گسترش اپه آزادی و ملت‌گرایی به سراسر اروپا و تلاش اتحاد شوروی برای کشور دیگرانی طبقه کارگر به سراسر جهان و تلاش آمریکا برای گسترش آزادی و دمکراسی در جهان، نمونه‌هایی از این دست است (نورزینی، 1388: 5).

از این رو، با پیروی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت، بحث صدور انقلاب به یکی از اصول-ترین و جذاب ترین موضوعات جامعه انقلابی ایران تبدیل شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکتساب یافت و در موارد متعدد به عنوان یکی از مشوری اساسی آمده است: قانون اساسی با توجه به محترق انقلاب اسلامی ایران که حکمکی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، بی‌متاص در گسترش روابط بین الملی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را همراه کند (ان هذین امکان امید و اگر باکیفیت و استمرار می‌خواهد در نهایت محروم و تحت ستم در تمامی جهان قرار یابد؛ همچنین اصل 3 بند 16 دولت جمهوری اسلامی ایران چه مشرف به «بهبود سیاست خارجی کشور بر اساس معمایهای اسلام، تعهد برادران نسبت به همه مسلمانان و حمایت به دریافت از مستضعفات جهان» می‌کند.
در این راستا از همان ابتدا بیان فرامزی انقلاب اسلامی ایران در قالب «استراتژی صدور اقلال» بنا توجه به قانون اساسی و کلام امام خمینی(ره) که فرمانده: خدا انقلاب‌ها را به تمام جهان صادر می‌کنیم»(امام خمینی(ره)، 1379. ج 12، ص 103)، به عنوان یک تکلیف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

در این رابطه برداشت‌های اولیه نزد دوستان و دشمنان بکسی بود انقلاب اسلامی همچون سایر انقلاب‌های دنیا باید یکی از سه دیدگاه ذیل را انتخاب می‌کند:
الف) دیدگاه رادیکال: در این دیدگاه منافع ملی با منافع آرمانی بکسی نقض می‌شود و هر نوع نرم‌ش در بربر نظام بین‌المللی مطروح و برندانی نظام‌های مخالف در اولیت خط حمایی صدور انقلاب قرار می‌گیرد.
ب) دیدگاه فرصت‌طلب‌انه: طرفداران این دیدگاه منافع ملی را اصل و منافع آرمانی را فرع بر آن می‌دانند. گرچه در اصل بر باربازی ملی و کوشش برای صدور انقلاب را منطقی و موقول به افتضاح شرایط بین‌المللی می‌دانند.
ج) دیدگاه مداخله‌کاره: این گروه منافع آرمانی را فرآیند و جوامع بین‌المللی دانسته و تنا منافع ملی را به‌وسیله مسئولیت می‌شناسند; این دیدگاه هرگونه فعالیت را برای صدور انقلاب عملی نادرست و موجب برانگیختن حساسیت منفی جامعه جهانی منفی ملی می‌دانند. (دولت‌آباد، 1377: 86.)
اما بین‌کنار جمهوری اسلامی ایران، علی رغم تأکید دانستی بر خدش‌های‌بین‌بکسی بودن اصل صدور انقلاب به نفع و ترک همه‌سی دیدگاه‌های توپرخ طرح اسلام است یا همان دعاوت است، هزینه قدرت.
1. دلایل مثبت: هر چه دیدگاه از صدور انقلاب کسب قدرت را هدف دارد حال آنکه در پایان حضور امام(ره) هدف از صدور انقلاب اجام تکلیف برای ترویج اسلام است یا همان دعاوت است، هزینه قدرت.  
2. دلایل جامعه‌شناسی: از دید حضور امام(ره) صدور انقلاب با یک نحوه ساختاری که هر سی دیدگاه حکم داشته و موقول به خوستا توان با کوشش خود مرم ماند. در صورتی که هر سی دیدگاه حکم داشته و زوردارانه که مستلزم اخذ تصمیم و اقدام به نهایت است را در استراتژی کار دارند.
۳. دلایل سیاسی: هر سه دیدگاه به صدور انقلاب نگاه ابرازی دارند؛ حال آنکه حضرت امام (ره) آن را یکی از اصول سیاست خارجی در اسلام می‌داند (دولت‌الابادی، ۱۳۷۳: ۸۷). بر این اساس، نظریه و دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص صدور انقلاب در میانه واقع گرفتگی پرس و آرمان‌های رادیکال قرار دارد و به‌عنوان واکنش‌های انتخابی تلقی‌آمیزی از هر دو دیدگاه است. به‌طوری‌که از یک‌سوم بر لزوم صدور انقلاب به‌عنوان یک تکلیف و اصل ثابت در سیاست خارجی تأکید می‌ورزد و در سوی دیگر اهمیت و ضرورت کسب قدرت جهت تأمین آن پافشاری می‌کند (رغم‌الله، ۱۳۷۸: ۲۹).

به بيانی دریگر، سیاست صدور انقلاب در زمان امام خمینی (ره) یک اصل أساسي در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رفت که مانند درگیر ابعاد سیاست خارجی، انگیزه‌ای هنگامی برای سیاست‌های داخلی و محیط‌های خارجی بود و به‌طور گسترده از همه ایثار صلح‌آمیز شد «صدرانگو»، حمایت‌های جنبه‌های آزادی‌بخش و «تبیعت» بهره می‌گرفت (رغم‌الله، ۱۳۷۸: ۵۴).

از دیدگاه امام (ره) وفاداری به ارزش‌های والای اسلام و عمل به آنها در اولویت قرار دارد و اسلام دین تمامی اندیشه است؛ پس اعتقاد به ارزش‌های اسلامی مبنی نوعی مستندی نسبت به جامعه جهانی است. نهایی در صورتی می‌توان گویی مناسبی برای ملت‌ها شد که آنها حس کنند. در قبال مسئله‌های حساس مستندی انتقالی وجود دارد؛ بنا براین، مخاطب انقلاب اسلامی از دیدگاه امام (ره)، «ملت‌ها هستند و هدف آگاهی دادن به آنها است»؛ در این قابل مفهوم صدور انقلاب با اتخاذ مشی روشن‌گران‌هایی که ملت‌ها خود در تغییر سرنوشت خوشن است کننده، کاملاً عجیب شده است و حکمت‌های نظام‌گران‌هایی که مستلزم اخذ تصمیم و اقدام به جای ملت‌ها باید به کلی نبیم می‌شود.

دقت و تأمل در کفتنمان امام خمینی (ره)، مقام رهبری و سیاسی از صحابه‌نظران انقلاب، توجه ایشان به مسائل‌آمیز بودن معنا و مفهوم صدور انقلاب را آشکار می‌کند؛ برای نمونه این بیانات از امام خمینی (ره) به خوبی این معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهد: «ما مهم‌های معنی‌آمیز انقلاب اسلامی، من را به جهان صادر کنیم. ما که می‌گوییم انقلاب می‌خواهیم صادر کنیم؟ می‌خواهیم این را صادر کنیم؟ می‌خواهیم این را صادر کنیم را به همین منابعی که»
پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسئله که در ایران پیدا شده، ما می- خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی خواهیم شمشیر یک کشیم و نتیجه یک کشیم و جعله کنیم... ما می-

خواهیم که اقلیم بیشتر از اقلیم فرهنگی را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم (مامخمینی، 1379، ج: 33، ص: 90).

در جایی درگر می فرمایند: "صدرانقلاب لشکرکشی نیست، بلکه می خواهیم حرفمان را به

دنیا برسانیم که یکی از این مراکز یاد از امور خارجه است" (مامخمینی، 1379، ج: 19).

همچنین ایشان خاطر نشان می کنند که "ما می خواهیم این طریق اقلیم بیشتر این را صادر کنیم

جنتی با کنس داریم، همی می خواهیم لشکرکشی کنیم. ما می خواهیم با صحبت و با کار خوب که

در اینجا انجام می دهیم، به دنیا بفهمنامی که اسلام وضعش این جوری است" (مامخمینی، 1379، ج: 33، ص: 23).

ماهیت فرهنگی صدور انقلاب در انديشه امام خمینی(ره) در بينات ديگر ایشان به وضوح

تجلي یافته است. بعکس از آن ایشان شکارا بیان می دارند که منظره از صدور انقلاب، برخلاف

برخی برداشت های رادیکال در اول انقلاب، صدور قهرمان دیسیکت نیست; از یک روز، صدور

انقلاب در منظومه فکری امام خمینی(ره)، یک راهبرد فرهنگی برای فراکس ساختن و کنترل

آرمانها و گفتمان انقلاب اسلامی است؛ چرا که بر اساس دیپلماسی فرهنگی امام(ره) (بابی

اساس را می دویم و فکر می دویم قرار داد و به فکر مردم بود، نه دولت‌ها «) (مامخمینی، 1379،

ج: 15: 20 و برای رسیدن به این منظور به عقیده ایشان باید "توجه داشته باشید که بالاترین

چیزی که می توانند این انقلاب را در انجام با نمر برسانند و به خارج صادر کنند، تبلیغات" است

(مامخمینی، 1379، ج: 14: 55).

ابتالی در خانم‌ها، نیز بر صدور فرهنگی انقلاب به عنوان یک ویژه تأکید کرده و معهودند:

"صدرانقلاب، بعنوان صدور فرهنگی انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلقوس و تکیه و اصرار بر

ارزش‌های انسانی، ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می کنیم؛ این را این انسان و ما این راه

را باید ادامه دهیم " (خانم‌ها، 1385، ج: 1).

منظری ایشان از صدور فرهنگی انقلاب، استفاده دیپلماسی فرهنگی در انتقال ارزش‌های

معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی به سایر ملت‌ها است؛ به‌طوری که در جایی دیگر ذکر کرده-
پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنای اصل دعوت
با توجه به

رژیم صهیونیستی در رویارویی با همگرایی در منطقه شامات

«
تجربه کشیده و نیسته. گذشته و نیسته ل摘要... در پشت و آمده‌زانان، آداب زندگی را، خلفیات را، علم را، نیاس پوشیدن را، اداب معانی را، رای را، معارف را و دین را از پیکانگری فراگرفته‌اند؛ این مهم‌ترین
تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است؛ حتی مهم‌تر از تبادل اقتصادی و کالا، سبب افتاده است

که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است (خامنه‌ای: 1389: 78).

بر این اساس، پدیدایند صدور انقلاب در جهان اهل سنت حتی در اوج آرمان گرایی آن،
همواره در جوی‌چوب مقررات، هنگارها، قواعد و سازمان‌های بین‌المللی و با ابرازهای مسالمت-
آمیز صورت گرفته است (دانشگاه و دهقانی فیروزآبادی؛ ۱۳۸۲: ۷۷).

 ضمن اینکه در انگیزه‌ها و افکار امام خمینی(ره)، صدور انقلاب به معنی تبیین، ترویج و
معرفي آرمان‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به مردمان و ملت مشتاق یا همان صدور
فرهنگی است. به طوری که مقوله صدور بیش از آنکه ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی
باشند معلول تیم و تفاضل ملل دیگر برای شناخت و اکثریت از انقلاب اسلامی است
(دهقانی فیروزآبادی؛ ۱۳۸۷: ۵۰۰).

از این رو، برخلایف تصویر رایج، صدور انقلاب اسلامی منصوب ایجاد انقلاب فیزیکی در
سایر کشورها و جوامع نیست: بلکه صدور انقلاب استعاره‌ای برای انشاع ارزش‌ها، هنگارها و
رساندن یکم رهایی‌بخش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های عالماسته است. فراینده‌که الهامی‌بخش
ملت‌های مسلمان و مستعفی که بود نا به همان غایت رهنمود شوند که ملت ایران آن را
تجره کرد است (دهقاه فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۶۹).

در مجموع، اصل دعوت با مؤلفه کشندی و کشکری منتسب است و با نتیجه ملی مناسب
و ممکن و چندجانبه‌گرایی و انتقال‌سازی و سیاست‌گذاری منطقی چگونگی نقش خود با در
سیاست خارجی بیان می‌کند.

چالش‌ها و معضلات و مواضع صدور انقلاب در جهان اهل ست

۱. وجود حاکمان نظام فاسد و ناصح
چنانچه حاکم ستمگر بر پایی از کشورهای اسلامی مسلّط شود و در جهت ایجاد فساد، ظلم و ستم و زیر پا گذاشتن حدود ایلی و حقوق انسان‌ها تلاش کند، مصداق طاغوت است و خداوند دستور داده است که زیر بار این حکومت نباید رفت و در مقابلش نباید سر فروند آورد;

از بارزترین مثال‌های حکومت طاغوت، حکومت یزید بن معاویه و حجاج بن يوسف است;

برخی حاکم‌های کشورهای اسلامی در عصر حاضر (که از هیچ ظلم و ستم بر مسلمانان فروگذاری نمی‌کنند) نیز از مصداق طاغوت به‌شمار می‌رودند؛ جهاد برضد این گونه حکومت‌ها.

«جهاد با طاغوت» نام‌ده می‌شود.

راغب اصفهانی در المفردات می‌نویسد: گاهی از برانت چستن، به کفر تعییر می‌شد؛ آن‌جا،...

القایی به عضوی از بعضی مورد علیه سرّیه (سوره عنکبوت) آلیه۲۵، ۲۲، ۲۵۶.»

و این کف‌رولان بلافاصله به شیطان کفر و روزی، به معنای آن است که ایمان عوره و با شیطان مخالفت کرده است: «فمن کف‌ر بالطاغوت و پرانت به الله (سوره بقره) آیه۲۵۶.»

علایه طبیعی‌هایی در تفسیر العیان می‌فرماشد: کف‌ر در این آیه تناها با قلب حاصل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند روابطی عملی و مبزرگ با طاغوت است. در آیه دیگری با عبارت اجتناب از طاغوت، به این معنا اشاره شده است (سوره نحل) آیه۲۶.

مقصرد از اجتناب از طاغوت آن است که مسلمان موّقعیت، جهت‌گیری، تشکیلات و خوش را از طاغوت جدا کرده و جدایی و برانت خوش را علیه سازند؛ لذا طبق آیات قرآن مسلمانان چه سنی و چه شیعه و ظهیر دارند بر حاکم جامه که مصداق طاغوت هستند با تمام قدرت قیام و حکومت طاغوت را از بین ببرند.

کلیه به نقل از جبار روابط می‌کند که امام صادق (ع) فرموده‌اند: فاکنوا بالطبع و الفظوا بالسکتمن و صدّوا بهاجاهم و لا تخافوا فی الله لومة لائم... وسیئت الشیعه... ۱۳۹۳: ج ۱۱: ۴۰۲؛ منکر را با دلهاوان ناخوشایند بدارید و با زبانهاوان نهی کنید و با عمل قدرت، پیشانی کسانی را که ممرکب منکر می‌شوند، بکویید و در راه خدا از ملاک هیچ ملامت کندنی از خراسانیه، پس اگر اندرز گرفتند و به حق بارگشتند، دیگر کاری با آنان نداشته باشد؛ زیرا مبارزه همواره با کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین فساد برمی‌انگرند؛ برای اینان کف‌ر
درنتانک است؛ با اینان است که باید با پیگردهای خود جهاد کند و با دلهاستان به آنان کینه بوزریزید؛ بدان آنها بخواهید خود سلطه بیابید.

یحیی الطولی از امام صادق(ع) چنین روایت می‌کند: ما جعل الله بسطالنسان و کفه البد و لکن جعلهام ببگم معاً و بگفم معاً (وسائل الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۱۱، ۱۴۶۴: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تناهی دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

شیرف رضی در نهج البلاغه از امام منون(ع) روایت می‌کند که در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.

در صفین فرموده‌ای:

و اینان هم رثآ از خودلیالله و کشفه البد و لکن جعلهام بهبگم معاً و بهبگم معاً (واسط الشعیه، ۱۳۹۳: ص ۴۶۴)، چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها دوبار و ولی دست بسته باشد؛ بلکه باید هردو باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد، هردو بسته باشد.
آ از طریق اهل سنت نیز روایات سیاسی وارد شده است. ترمیمی از طریق بن شهاب چنین تقلید کرده‌اند: اولین کسی که خطبه‌ها را بر نمای مقدم کرد، مروان بود. موردی بلند شد و به او گفت: سنت رسول خدا را عوض کرده و با آن مخالفت کرده؛ سپس این ادعای گفت: این مورد به وظیفه خوشی عمل کرد. چرا که از رسول خدا(ص) شنیده که فرمد: هر آن کس که منکری را مشاهده کند، باید با دست خوشی از آن جلونگری کند (ادام عملی کند) و اگر نتوانست، با زبان خوشی به مقابله با آن برخورد و در صورت عدم توان، با قلب خود آن عمل را اثبات کند و این ضعیف‌ترین مراتب ایمان است. أبویسی می‌گوید: این حديث، حسن و صحیح است (سنن ترمیمی، 1378، ج1، 149-240). احمد بن حنبل در دو جا از کتاب مسند خود آن را ذکر کرده است:

(مسند احمدی حنبل، 1416-1417هـ، ج1، 163-164);

و مسلم نیز قربه به همین لغو (صحیح مسلم، 134-135هـ، ج1، 105); و ابن ماجه (سنن ابن ماجه، 1401-1402هـ، ج2، 103-104).

به آن اشاره کرده‌اند.

2. این جهاد به طالب‌الان در سیره اهل بیت(ع) روشن‌ترین مثال تاریخی در سیره اهل بیت(ع)، عامل‌کرد امام حسین(ع) در دربار طاغوت زمان خوشی بود که همراه فرندان، خاندان و بهترین یاران خویش به جنگ برخاست و در خطبه‌ای در کربلا فرود: نمی‌توان به حق عمل نمی‌شود و از باطل دروی نمی‌کند؟ آگر مؤمن آوروزی مرک بکند، سزاوار است و من مرک را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز خسارت و پیش‌بینی نمی‌پیم. پس از ملاکت معاویه، مران از امام حسین(ع) خواشت با یزد بیعت کند، حضرت فرمد: علی الإسلام السلام إذا قد بليت الأمة برغ مثل یزيد و لقد سمعت جدی رسول الله(ص) يقول: الخلافة محرمة على آل ابن سفيان ان الله و انا الي راجعون! سید محسن امین، القاتل الحسینی:
پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنای اصل دعوت
با توجه به

رژیم صهیونیستی در رویارویی با همگرایی در منطقه شامات

۲۴)، باید با اسلام خدااندیشی کرد که امت اسلامی به فرماتراوی چون یزید گرفتار آن مده است؛
از جدای خود پیامبر(ص) شنیدم که فرمود: خلافت بر دوستان ایسوسین حرام است.
در کریلا نیز وقتی از ایشان خواستند تا بیان بپردازند زمان ابراز نمی کرد: الله لا أعطیهم بدي.

بیانیه، ذلک و لا ۲۶۰، نادری ایرانی، تاریخ طبری، (الکامل، فی التاریخ، ق: ۴، ج: ۱۳۸۵، ۲۴۱).
در ۲۳۷، (ج: ۲۸۷)؛ به خدا فرمود: همانند شخص ذلک و خواهند بیست با شما
نمی دهم و همچون بردگان از اشنا فرار نخواهم کرد؛ لذا توطیف روابط و احیاد شیعه و اهل
سنت واجب و تکلیف هست که جهاد و قبایل هم جانبه علیه طاغوت و حاکمان ظالم و فاسد
انجام گیرد. منسقانه ضعف کشورهای اسلامی از جمله اهل ستین این است که این همث را به
خروج نمی هند و شاهد ظلم و ستم حاکمان ما شوند و البته در جریان بیداری اسلامی این تجربه
را به همراه شهد که می توانند حاکمان سنتیک را با الغوی انقلاب اسلامی ایران شکست و بیکلی
از بین ببرند.

۳. فقدان رهبری جامع رهبر

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نتیجه انقلاب معاصر که بر پایه اجرای فرماتراوی اسلامی، مبارزه
با استبداد و صهیونیسم جهانی شکل گرفت، تأثیرات فراوانی در بازیهای منطقه‌ای داشت.

بازهایی که با حضور بارگیران فرا منطقه‌ای در جنگ سال‌های جنگ در دیگری ظاهر شد.

حضور امریکا، انگلیس و... در افغانستان و عراق، همکاری رژیم‌های دیکتاتور منطقه همچون
زمین آل سعود و آل خلیفه و همچنین رژیم نامور صهیونیستی یکی از مشکلات جمهوری
اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل در انتقال پیام خود بود. این کشورها با رژیم‌های طرح
مهاری علیه جمهوری اسلامی ایران و پیام صدا بخود مردم مسلمان منطقه، قصد ای را
داشتند تا از نفوذ جمهوری اسلامی ایران بکاهند؛ کاری که در حادثه پیش آمده در مصر,
سوریه، لبنان، تونس و... می توان مشاهده کرد؛ اما نتیجه‌ی که قابل توجه است مدیریت
انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی(ره) در زمان حیاتشان و بعد از ایشان خلف صاحب امام
خمینی(ره) امام خامنهای عزیز خلفی که درس آزادگی، مبارزه با استبداد، توکل و صبر را از
استادی یاد گرفت که همیشه نگاهش به دستان الهی خداوند بود با استکبار شرق و غرب.
شکل گیری نظام اسلامی ایران نه تنها با شعور شرق و غرب همراه نبود بلکه معناي استقلال را به دیگران به‌درستی فهمیده‌بود. در همین اساس، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العلمی خامنئی در سخنرانی که داده، این شعور را به عنوان یک داستان و معنای آن را مخالفت با هردو بلکه دانسته است و بیان می‌دارند: «آن روزی که شرق و غرب هنوز با هم آشنا نکرده بودند و در دمی شرق و غربی وجود داشت، شعور انقلاب ما دانه شرقی و نه غربی، بوده؛ یعنی نفره و مخالفت با هر دو و مخالفت با هر دو؛ این، معناش به طرفی نیست. ما هرگاه به نفع چپ، با راست دستی بیدار نمی‌کردیم؛ به نفع راست هم با چپ دستی بیدار نمی‌کردیم (پاپ‌ها اطلاع‌رسانی زیاده معنی انقلاب، 1381/141).

رسیدن صدای ملت انقلابی ایران به دیگر ملت‌ها با روش‌های مختلفی صورت پذیرفت که همة آنها با مدیریت و رهبری فردا صورت پذیرفت که شناخت کافی به منطقه و موضوعات آن داشته است. پیامی که گوی ملت مسلمان و خواده فرهنگ از سوی استعمار دوا دوباره جان داد و بیدار کرد و نام این بیداری را با پی‌پاپ بیداری اسلامی دانست.

رهبر عظمت شده انقلاب اسلامی ایران علمدار حزبی در جهان شد که آن حزبی، حزبی ضد استعماری و ضد استکباری بود؛ حزبی که اساس اسلام بود و هست؛ همانطور که قرآن کریم می‌فرماید: «لا یطلمون ولا یظلمون» (سورة بقره، آیه ۱۱۹)؛ این حزبی هرچند در دوران توسعه عدالت باور‌پذیر نبود و آن را مورد قبول قرار نموی دادند و در برابر آن ساده‌گیری مقابله می‌کردند؛ اما با ظهور آن در کشورهای منطقه به‌ویژه در شمال آفریقا و شعراهای آن می‌توان فهمید که در حزبی است که نماینده شده است؛ قدرتی در شیعت بزرگتر، نمای و رادیویی‌ها کاملاً ملی‌ها و قابل فهم بوده؛ این بیداری همانطور که بیان شد توسعه‌ها که منابع‌ها در خطر بود دچار طرح مهاری شد. طرح مهاری که در روستاهای چنان شاخی بر ملت‌ها اورد که بسیار آنها را خسته کرد. فشار‌های همچنین نابودی کامل زیرساخت‌های لیبرال سرنگونی حکومت مردمی مصر و کودتای نظامی، مشغول کرد ملت مسلمان منطقه به خواتمه‌های عدالت زیاده‌طلب در سوریه و راه‌اندازی جنگ داخلی علیه مردم و حکومت مشروع آن، بمب‌گذاری و میان‌یابی با ایستاد کشورهای همچون لبنان و عراق و... بخشی از اقدامات آنند، بوده است؛ اما این فشارها هرچند سبب شد در مواضع نفس بیداری مردم به
شمارش درآمد ویلی با مشاهده صحن، می توان دید که خیال خانوشتند بیداری اسلامی توهیم
بیش نیست؛ چیزی که در این انقلاب‌ها مشخصاً مورد توجه است، گسترش انقلاب اسلامی
است؛ انقلابی که در حال حاضر با مدیریت رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اداره
می‌شود.

نفی و الگذاری بیش از ایشان را می‌توان در مفاهیمی‌های جدید سال‌های اخیر که قرب به
ساختاری از سال 1360 تا پایان استان 1392، با موضع و واژه بیداری اسلامی بوده است مشاهده
کرد؛ معروف‌ترین این ساختاری‌ها، خطبه‌های نماز جمعه تهران ایشان است که رو به ملت مصر،
لیبی و تونس به زبان عربی قراناً گردند؛ خطبه‌ای که آن حکایات مردم مصر را شعله‌ور کرد و
پروزی این ملت را به نمایش گذاشت؛ اما شخصیت رهبر معظم انقلاب به اینجا ختم نمی‌شود;
شخصیتی که در سیاست خارجی، نفی برخی‌های داشته است، خاطرات افرادی چون خاور برز
دکوتبیز دیر بک قرن‌سازمان ملل متحد، هنوی عتان دیر بک سلیق سازمان ملل متحد، بوتن
رئیس جمهور فدراسیون روسیه بخشی از این سیاست را نشان می‌دهد.

لذا کشورهای اسلامی به‌خصوص جهان اهل سنت، می‌پیامد رهبری همانند امام خامنه‌ای داشته
باشند یا مدیری انتخاب کنند که ناپا محضر امام خامنه‌ای عزیز باشد تا اینکه انقلابیان باقاعد
قوی بتوانند هدایت شود و درنهایت به پروزی بررس و همانند انقلاب‌های لیبی و بیشاپ به‌حین ناکام
نشود.

4. فکر و باز شدن و اتسخیل بین بزم

تجربه گرانقدر انقلاب اسلامی ایران به هم‌اکنون اسلامی به‌خصوص جهان اهل سنت نشان
داد که مردم سالارتی و توجه به حضور اقشار مختلف مردم از کسی، دانشجو، طلب، زن و مرد،
اصفای مختلف لشکری و کشوری، شیعه و سنی و اقامت و قابل گوناگون کشور درک ذهن علمای
دینی می‌تواند یک قدرت نرم عظیم باشد. ابزارهای ابرار تشکیل گروه‌های علمای
مادی نظامی و تجهیزات فرهنگی و سیاسی باشند قدرت سخت را هم تقویت خواهد کرد و
تیجهد‌های و پیش‌های کاربردی
از جمله تماشای برجهنگ انقلاب اسلامی نسبت به سایر انقلاب‌ها، ماهیت آن است. سایر انقلاب‌ها غالباً دارای یکی از ماهیت‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئو‌لوژیک هستند؛ در حالی که انقلاب اسلامی دارای ماهیت اسلامی و مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی است؛ بنابراین انقلابی که دارای چنین ماهیتی جهان‌سیاسی است، ضرورتی برای حفظ انقلاب و دستاردهای آن، باید به دیگر جوامع اسلامی و غیر اسلامی توجه داشته باشد. صدور انقلاب اسلامی از روزهای نخست پیروی انقلاب مورد توجه قرار گرفت؛ با وجود اینکه روزگاه‌های مختلفی در قبال اندیشه‌شناسی انقلاب اسلامی مطرح شد؛ اما روزگرها ورزگاری امام خمینی(ره) غالب شد و صدور انقلاب فلسفی یافته بر اساس منویات ابیات، صدور سایر کشورها مخاطب اصل انقلاب اسلامی و انديشه‌های آن واقع شدند؛ این روزگر هم بین بر عناصر فرهنگی و دور از هرگونه تنش‌زایی بین العاملان انگاج گرفت.
بايد گفت تبلیغات وسیع و دامنه‌دار در دوباره یک موضوع و جلب حمایت جامعه جهانی در آن مورد صدها برای بیشتر از هرگونه نظام تأثیر دارد. با استفاده از فاقدهٔ دعوت حاکمان مسلمان می‌تواند با تبلیغات دامنه‌دار جهانی، منطق اسلام را به درون خانه‌ها برده، در مدت زمان کوتاهی هزاران نفر را مسلمان کند که این کار با چنین و خون‌پری‌ی در حالی‌های طالبی‌های مفسر نیست. امروزه نقش دعوت را می‌توانید در جریان بیداری اسلامی بپیمایید. نفوذ تبلیغات و دعوت در نظام
جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه غرب آسیا موجب شد با ملت‌های کشورهایی چون مصر، لبنان، بحرین و یمن بر حاکمان مستبد و دیکتاتورشان قیام کنند و انقلابی را به وجود آورند؛ این تاثیرات را در سطح آسیا، اروپا و دیگر قاره‌ها نیز می‌توانیم شاهد باشیم.

کشورهای مسلمان چه شیعه و چه سنی با توجه به همراهی رهبر و مردم در داخل خود و وحدت امت اسلامی می‌توانند قدرت نرم و سخت خود را تقویت کنند و صاحب قدرت هوشمند بشوند و می‌توانند در جریان بیداری اسلامی پیروز و موفق و سربرند بشوند.
مجله سياسيه خارجی، سال سی و یکم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۲

1 - قران کریم.

2 - سعدی، خیام.

3 - خسروی (ره)، روح الله (۱۳۸۱)، مجموعه امام، تهران: مؤسسه نظیر، دو تا آثار امام خمینی (ره).

4 - خسروی (ره)، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۱۱/۱۱.

5 - خسروی (ره)، سید علی (۱۳۸۱)، حديث ولایت، ج. ۱، تهران: دفتر مخابرات رهبری.

6 - خسروی (ره)، سید علی (۱۳۸۱)، مشاور فرهنگی انقلاب اسلامی، ج. ۲، تهران: شورای عملیات فرهنگی.

7 - خسروی (ره)، سید علی (۱۳۸۱)، انقلاب ایران و بازیابی جهانی آن: ترجمه محسن مدیر شاهچری، تهران: ناشر.

8 - استاد فارحچی، ابوالفضل، آقاحسینی، علی‌رضا (۱۳۹۲)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۳.

9 - کمال (۱۳۸۶)، تاریخ حضور (ج. ۳)، در تاریخ، ج. ۳.

10 - ایزدی، مصطفی (۱۳۸۰)، بادنام شهید محمد منتظری (مجموعه گفتارها)، تهران: فرهنگ انقلاب اسلامی.

11 - فرهنگی، مهسا (۱۳۸۲)، انقلاب ایران در دور حکم، تهران: نهضت آزادی.

12 - بارگان، مهسا (۱۳۸۲)، انقلاب ایران در دور حکم، تهران: نهضت آزادی.

13 - ناجی، محمد، دفاعی همراه فیروز‌آبادی، سیدحجالی (۱۳۸۲)، اکثریه صدور انقلاب در کفتن‌های سیاست خارجی ایران، فصلنامه زاهدیه، ش. ۲۷.

14 - تاریخ طهران (۱۳۸۰)، ج. ۴.

۱۵ - جاویدانی، محمد، مهدی (۱۳۹۳)، کارتیه رهایت کفتن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۸.

۱۶ - جلیرگی، محمد علی (۱۳۸۰)، دلیل‌های یادبود اسلام (ص)، فصلنامه اقلاب اسلامی، س. ۳، ش. ۵.

۱۷ - حسینی، جلال الدین (۱۳۹۷)، روایت ابدی، ج. ۱، شماره ۳۸.

۱۸ - حکیتی، سید صادق (۱۳۸۷)، مبانی ابتدای سیاسی اسلام، تهران: سمت.

۱۹ - دولتی، سید بهزاد (۱۳۸۷)، صدور انقلاب نما، تکلیف از درون و برون، فصلنامه حضور، ش. ۲۷.
۲۰- دهفته فیروزآباد، سیدجمال (۱۳۸۷)، پارادایم صدور انقلاب در جهان اهل سنت بر مبنای اصل دعوت با توجه به...

۲۱- دهفته فیروزآباد، سیدجمال، رادفر، فیروزه (۱۳۹۴)، اکثریت صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: نهان دانشگاه امام صادق (ع).

۲۲- دهفته فیروزآباد، سیدجمال، رادفر، فیروزه (۱۳۹۴)، اکثریت صدور انقلاب ایران: سیاست‌ها، اهداف و ابزارها، فن‌بستگی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ش:

۲۳- سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۷۹)، سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، فن‌بستگی، ش: ۱۱.

۲۴- سنن ترمیه، ج، ۴، کتاب الف، باب ماجاء، فی غیرالمنکر: ۴۳۹-۴۴۷.

۲۵- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، فقه سیاست اسلام، قم: بوسان کتاب.

۲۶- شیرخانی، علی (۱۳۸۰)، دعوت، جنگ و صلح در قرآن، فن‌بستگی علم سیاسی، س: ۴، ش: ۱۵.

۲۷- طریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۸۷)، بالابخشکایی جامعی سیاست ایران از ۶۸ تا ۷۴، تهران: آزاد انتداب.

۲۸- فارسی، جلالالدین (۱۳۸۷)، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر.

۲۹- کلیستون، جک (۱۳۸۵)، مطالعات نظری و تطابقی انقلاب‌ها، ترجمه محمد تیموری، تهران: کور.

۳۰- محمدی، منصوری (۱۳۸۷)، حاضرین جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.

۳۱- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدر.

۳۲- ملکی، عباس (۱۳۸۷)، فرآیند تشکیل‌گیری در سیاست خارجی ایران، مجله راهبرد، شماره ۱۸.

۳۳- نادری، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی: زندگی‌ها و پیمان‌های بین‌المللی آن، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و اقلامی اسلامی.